

مسئولیت وام‌دهنده در قبال تخلفات عرضه‌کننده در تسهیلات سه‌جانبه مصرفی

| عباس قاسمی حامد* | استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی،

تهران، ایران

| ابراهیم تقی‌زاده | دانشیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

| مریم عامری | دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، مرکز تحصیلات تکمیلی، دانشگاه پیام نور،

تهران، ایران

چکیده

مسئولیت قانونی وام‌دهنده در قبال تخلفات عرضه‌کننده تسهیلات سه‌جانبه مصرفی، مبتنی بر دو واقعیت انکارنشده است: ۱. رابطه نزدیک وام‌دهنده و عرضه‌کننده به نحوی که نوعی مشارکت در کسب منفعت را القا می‌کند؛ ۲. پاسخگویی به اقتضانات عدالت توزیعی و حمایت از مصرف‌کننده به‌عنوان طرف ضعیف‌تر با تحمیل خسارات ناشی از تخلفات عرضه‌کننده. درحالی‌که در انگلیس، برای موارد نقض قرارداد از سوی عرضه‌کننده، وام‌دهنده منفرداً مشترکاً صرف‌نظر از مبلغ اعتبار اعطایی، مسئول جبران کلیه خسارات وارده به مصرف‌کننده شناخته شده است، در آمریکا مسئولیت وام‌دهنده به مبلغ تسویه نشده اعتبار اعطایی محدود شده است. اما در نظام حقوقی ایران، علاوه بر عدم وضع مقرره حمایتی در حوزه اعتبار مصرفی، شناسایی مسئولیت قانونی وام‌دهنده با دو مانع جدی روبه‌رو است؛ مانع نخست، فقدان ارتباط مؤثر میان وام‌دهنده و عرضه‌کننده در اغلب تسهیلات سه‌جانبه که این مشکل با تفسیر موسع و جایگزینی مبنای ارتباط مؤثر با امکان استخراج نفع مشترک میان وام‌دهنده و عرضه‌کننده قابل حل است. مانع دوم، اعطای نقش فروشنده به وام‌دهنده در اغلب تسهیلات سه‌جانبه و در نتیجه وحدت شخصیت وام‌دهنده و عرضه‌کننده می‌باشد که

تحمیل مسئولیت ناشی از تخلفات عرضه‌کننده بر وام‌دهنده را بی‌معنا می‌نماید. با توجه به اینکه اعطای نقش فروشنده به وام‌دهنده به صورت صوری و صرفاً به منظور پرهیز از ربوی شدن این معاملات است، البته رفع مانع فوق با گذر از شکل ظاهری این تسهیلات و تفسیر قصد واقعی طرفین کاملاً امکان‌پذیر است.

واژگان کلیدی: تسهیلات سه‌جانبه، عرضه‌کننده، وام‌دهنده، مصرف‌کننده، مسئولیت قانونی

مقدمه

چنانچه اعتبار دریافتی به تهیه کالا یا خدمات خاصی اختصاص یابد و این موضوع در قرارداد تأمین اعتبار^۱ به صورت ضمنی یا صریح درج گردد، در آن صورت با تسهیلات سه‌جانبه روبه‌رو خواهیم بود. در تسهیلات مالی سه‌جانبه مصرفی، هدف مصرف‌کننده از دریافت اعتبار، تهیه کالا یا خدمات از عرضه‌کننده خاص است. لذا در این نوع از تسهیلات، یک رابطه سه‌جانبه میان عرضه‌کننده، وام‌دهنده و وام‌گیرنده (معرفی‌کننده) شکل می‌گیرد و حقوق و تعهدات هر سه طرف را به یکدیگر پیوند می‌زند؛ لاجرم طرفی را که نسبت به قرارداد تأمین اعتبار یا قرارداد عرضه^۲ (تأمین کالا یا خدمات) ثالث محسوب می‌شود، تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرفی وام‌دهندگان و عرضه‌کنندگان هر دو از خلال عرضه و فروش اعتباری کالا و خدمات به کسب سود ناخالص می‌گردند لذا دارای نفع مشترک در انعقاد تسهیلات سه‌جانبه هستند. از سوی دیگر مصرف‌کننده صرفاً جهت تأمین نیازهای ضروری‌اش به انعقاد این تسهیلات روی آورده است. لذا عدالت توزیعی، لزوم حمایت از مصرف‌کننده به‌عنوان طرف ضعیف‌تر و تضمین استیفای حقوق وی، نظام‌های حقوقی مختلف را به وضع مقرره قانونی مبنی بر مسئولیت وام‌دهندگان در قبال خسارات ناشی از تخلف عرضه‌کنندگان در مقابل مصرف‌کنندگان سوق داده است.

همچنین با توجه به اینکه هدف از انعقاد قرارداد اعتبار، تأمین منابع مالی لازم جهت معامله عرضه است، هرگونه خلل در این هدف، قرارداد اعتبار را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. وابستگی دو قرارداد عرضه و اعتبار وام‌گیرنده را به شناسایی حق فسخ قرارداد اعتبار به تبع بطلان یا فسخ قرارداد عرضه سوق می‌دهد. در حقوق فرانسه با تصویب «قانون راجع به آگاهانیدن مصرف‌کنندگان و حمایت از آن‌ها در زمینه برخی عملیات اعتباری»^۳ در سال ۱۹۷۸، وابستگی قراردادها در اعتبارات مصرفی مورد شناسایی قرار گرفته است (قدک، ۱۳۷۹: ۱۵۸). نقطه مقابل در کشورهای کامن‌لا، ضمن وضع مسئولیت قانونی

1. Credit agreement

2. Supply contract

3. La loi du 10 janv. 1978 relative à l'information et à la protection des consommateurs dans le domaine de certaines opérations de crédit

برای وام‌دهنده در قبال خسارات ناشی از تخلفات عرضه‌کننده، رویه قضایی حق فسخ قرارداد اعتبار به تبع قرارداد عرضه، را مورد شناسایی قرار داده است (Bridge, 1977: 420). در حقوق ایران با وجود تصویب قوانین کلی همچون قانون حمایت از مصرف‌کننده، با توجه به فقدان قانون خاص حوزه اعتبار مصرفی، در این حوزه با فقدان قوانین حمایتی روبه‌رو هستیم. مقاله حاضر به مسئولیت قانونی وام‌دهنده در قبال تخلفات عرضه‌کننده، مبانی و آثار آن پرداخته و وضع مقرر قانونی مشابه در حقوق ایران و ترسیم چهارچوبی مطلوب برای این مسئولیت قانونی را مورد بررسی قرار می‌دهد و همچنین لزوم اثر بخشیدن به وابستگی قرارداد عرضه و اعتبار در تسهیلات سه‌جانبه را مورد توجه قرار می‌دهد.

۱. مبانی شناسایی مسئولیت وام‌دهنده در قبال تخلفات عرضه‌کننده

وام‌دهنده با تأمین اعتبار معاملات عرضه‌کننده، از سود وام و افزایش مشتریان خویش بهره‌مند شده و عرضه‌کننده نیز با استفاده از فروش اعتباری، میزان فروش و به تبع آن سود خود را افزایش می‌دهد. این ارتباط به حدی ملموس و قوی است که نوعی مشارکت و سرمایه‌گذاری مشترک در کسب سود را به ذهن متبادر می‌سازد. از سوی دیگر جایگاه نابرابر مصرف‌کننده نسبت به عرضه‌کننده و وام‌دهنده و لزوم حمایت از وی به‌عنوان طرف ضعیف‌تر، پایبندی، به اصل نسبی بودن قراردادها را با چالشی جدی مواجه می‌سازد. با توجه به اینکه تمام یا بخشی از ثمن معامله توسط وام‌دهنده تأمین می‌گردد، در فرض نقض قرارداد از سوی عرضه‌کننده، نحوه انعقاد تسهیلات سه‌جانبه نباید باعث محروم کردن مصرف‌کننده از مؤثرترین ضمانت‌اجرایی خود در خودداری از پرداخت بقیه ثمن و جبران خسارات خود گردد. به‌علاوه در قریب به اتفاق موارد، تسهیلات سه‌جانبه با ملاحظه ترتیبات توافق‌شده میان وام‌دهنده و عرضه‌کننده منعقد می‌گردند. از سوی دیگر وضع‌کنندگان این مسئولیت قانونی هدف جبران کامل خسارات وارده به مصرف‌کننده را نیز مدنظر داشته‌اند، چه مطالبه خسارت از وام‌دهندگان بسیار سهل‌تر از عرضه‌کنندگان است، چراکه در مواردی اصلاً به آن‌ها دسترسی نیست (Harvey, 1987: 248-249).

به‌علاوه تأمین اعتبار معاملات عرضه‌کننده‌ای خاص توسط یک مؤسسه تأمین‌کننده اعتبار به‌صورت ضمنی، به معنای تضمین مطلوب بودن نسبی و عرفی کالا یا خدمات آن عرضه‌کننده توسط مؤسسه وام‌دهنده نیز می‌باشد (اسفندی سرافراز، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۱). لذا می‌توان نظریه تضمین ضمنی کیفیت و سلامت کالاها را نیز به‌عنوان یکی از مبانی مسئولیت وام‌دهنده در قبال تخلفات عرضه‌کننده در خصوص شرایط و کیفیت کالا یا خدمات مطرح نمود.

در آمریکا درج شروط عدم مسئولیت توسط مؤسسات اعتباری (وام دهنده) در قبال وام‌گیرندگان در تسهیلات سه‌جانبه، به دو دلیل اساسی ذیل مورد انتقاد بود:

الف) مؤسسات اعتباری با توجه به جایگاهی که دارند، نقش ناظر را نسبت به عرضه‌کنندگان بازی می‌کنند. حال اگر عرضه‌کننده‌ای عملکرد بدی داشته باشد، مؤسسه اعتباری از تأمین اعتبار معاملات او خودداری و فعالیت او به فروش نقدی محدود می‌شود، امری که با توجه به رواج کارت‌های اعتباری در خرید کالا و خدمات مصرفی به معنی بازماندن از فعالیت تجاری هست؛ بنابراین عرضه‌کنندگان از بیم از دست دادن همکاری مؤسسات اعتباری، عملکرد بهتری خواهند داشت. به‌علاوه مؤسسات اعتباری خصوصاً صادرکنندگان کارت‌های اعتباری ابزارهای مؤثرتری جهت جبران خسارات ناشی از عملکرد عرضه‌کنندگان دارند. برای مثال در خرید از طریق کارت اعتباری، آن‌ها به‌سادگی با بدهکار کردن حساب عرضه‌کننده خدمات یا کالا نزد خود یا سایر بانک‌های طرف قرارداد امکان وصول خسارت پرداختی به مصرف‌کننده را دارند.

ب) مؤسسات اعتباری نقش مؤثر توزیع‌کننده زیان در تسهیلات سه‌جانبه را بر عهده دارند. به این معنی که به‌جای تحمیل کلیه خسارات ناشی از تخلف یا ورشکستگی عرضه‌کننده بر یک وام‌گیرنده واحد، وام‌دهندگان می‌توانند با دریافت هزینه‌های بیشتر اعتبار از عرضه‌کنندگان و سرشکن نمودن آن بر تمامی وام‌گیرندگان، این خسارات را بپردازند. نظریه توزیع زیان^۱ و گسترده‌تر کردن دایره مسئولین از نظریات قابل حمایت در مسئولیت مدنی است که در حقوق قراردادهای بیش از همه در حوزه حقوق مصرف‌کننده مورد توجه قرار گرفته است. برخی از نویسندگان حتی از این هم فراتر رفته و معتقدند حتی در مواردی که وام‌دهندگان با فروشندگان کالا و خدمات هیچ رابطه قراردادی نداشته و صرفاً به وام‌گیرنده وام مستقیم می‌دهند، در قبال عملکرد عرضه‌کنندگان مسئول هستند (Bridge, op.cit: 412-413).

در حقوق ایران، عدم تفکیک میان اعتبارات مصرفی و غیرمصرفی از سویی و شرایط تحمیلی قراردادهای بانکی از سوی دیگر نقیصه بزرگ نظام بانکی است. در چنین شرایطی، مصرف‌کننده‌ای که به‌واسطه عیب و نقص کالای خریداری شده یا تخلف قراردادی عرضه‌کننده، از تأمین نیازهای ضروری خود بازمانده است، باید از سویی به قرارداد اعتبار یک‌جانبه تنظیم شده از سوی وام‌دهنده (بانک، مؤسسه اعتباری و...) متعهد بماند و از سویی خسارات ناشی از تخلفات عرضه‌کننده را نیز به دوش بکشد. در تسهیلات تجاری، هدف وام‌گیرنده کسب سود بیشتر است. لذا در صورت تخلف عرضه‌کننده آنچه از بین می‌رود تحقق این هدف است. از سوی دیگر، این پیش‌فرض وجود دارد که فرد تاجر با اطلاع کافی و امکان بررسی کامل شرایط عرضه‌کنندگان مختلف، عرضه‌کننده خاصی را

1. Spreading loss

انتخاب نموده است، لذا باید خود نتیجه انتخاب طرف معاملی متخلف را بر عهده بگیرد. در حالی که در اعتبارات مصرفی، مصرف‌کننده فرد غیرمتخصص محسوب شده و از وی انتظار برآورد دقیق میزان تعهد عرضه‌کننده و توانایی‌های او نمی‌رود (قاسمی حامد، ۱۳۸۸: ۱۹۲-۱۹۱).

در واقع اساس شناسایی این مسئولیت قانونی ناکافی بودن ابزارهای موجود قانونی مانند حق بررسی کامل کالا یا خدمات عرضه‌شده قبل از انعقاد قرارداد، حق فسخ قرارداد در دوره تنفس و تکلیف عرضه‌کننده به اطلاع‌رسانی کامل شرایط کالا و خدمات در حمایت از مصرف‌کننده هست (بادینی، ۱۳۹۱: ۵۲۲-۵۲۱). در نظام بانکی ایران، مانع اساسی در راه شناسایی چنین مسئولیتی، فرایند اعطای تسهیلات بانکی و شیوه تنظیم قراردادهای اعطای اعتبار است؛ یعنی بانک‌ها با تنظیم قراردادهای وام مستقیم که در آن صرفاً اشاره صوری به هدف وام‌گیرنده از دریافت تسهیلات می‌گردد و هیچ اشاره‌ای به هویت عرضه‌کننده و کیفیت کالا یا خدمات نمی‌شود، در واقع نقش عرضه‌کنندگان را در تسهیلات سه‌جانبه حذف می‌نمایند، به گونه‌ای که اغلب قرارداد عرضه و قرارداد اعتبار به صورت جداگانه تنظیم و نمی‌توان هیچ ارتباطی میان آن‌ها برقرار نمود. بدیهی است در مواردی که توافقات پیشینی میان عرضه‌کننده و وام‌دهنده وجود دارد، تحمیل مسئولیت قانونی بر وام‌دهنده با نگرانی روبه‌رو نیست. حتی ظاهر صوری تسهیلات سه‌جانبه و اعطای نقش فروشنده به وام‌دهنده نیز مانع شناسایی این مسئولیت قانونی نخواهد بود؛ مانند خرید لوازم منزل و خودرو از کارخانه در قالب فروش اقساطی یا لیزینگ با تأمین اعتبار مؤسسات مالی و بانک‌ها؛ اما در مواردی که ارتباط مؤثری میان وام‌دهنده و عرضه‌کننده چه در لحظه انعقاد قرارداد عرضه و چه قبل از آن وجود نداشته باشد، با دشواری روبه‌رو خواهیم بود؛ زیرا با فقد هرگونه ارتباط میان وام‌دهنده و عرضه‌کننده، تحمیل مسئولیت بر وام‌دهنده‌ای که نه نقشی در انتخاب عرضه‌کننده خاص داشته است و نه حتی از هویت وی و کالا یا خدمات مورد عرضه او آگاه است، به نظر برخلاف اصول مسلم قراردادی می‌رسد. از سوی دیگر اساس شناسایی چنین مسئولیتی، حمایت از مصرف‌کننده و تضمین جبران کامل خسارات وارده مصرف‌کننده به وی با شناسایی مسئولیت اضافی برای مؤسسات وام‌دهنده هست. به هر حال در نظام بانکی ایران نیز وام‌دهنده با استفاده از تأمین اعتبار معامله عرضه، به کسب سود ناخالص می‌گردد و قسمت اعظم فروش و کسب درآمد عرضه‌کنندگان نیز از طریق فروش اعتباری و ایفای نقش وام‌دهندگی در تأمین اعتبار (بخش یا حتی تمامی ثمن) معامله هست. لذا اگرچه در بسیاری از تسهیلات سه‌جانبه، نمی‌توان ارتباط مؤثری میان وام‌دهنده و عرضه‌کننده خاص استخراج نمود، لکن نفع مشترک قابل استخراج جهت تحمیل نتایج ناشی از تخلفات هر یک بر دیگری و به‌طور اخص تحمیل نتایج ناشی از تخلفات عرضه‌کننده بر وام‌دهنده در مورد بسیاری از تسهیلات سه‌جانبه

واقعی از جمله خودرو قابل استخراج است (سلطانی، ۱۳۹۳: ۱۹۳-۱۹۲)؛ لذا باید از ظاهر صوری قراردادهای اعطای تسهیلات در گذشته و در فرضی که قرارداد عرضه با ملاحظه عدم تحقق هدف آن قابل فسخ می‌گردد، قرارداد اعتبار را نیز به دلیل وجود شرط ضمنی یعنی وابستگی بقای آن به قرارداد عرضه، قابل فسخ دانست. البته تسری مسئولیت عرضه‌کننده در قبال عیب و نقص کالا یا خدمات ارائه‌شده به وام‌دهنده در حقوق انگلیس صرفاً در مواردی جاری است که وام‌دهنده یا توافقاتی از پیش با عرضه‌کننده خاص دارد و وام‌دار استفاده معین و جهت خرید کالاها و خدمات از عرضه‌کننده خاص است و یا وام بدون محدودیت استفاده است، اما وام‌دهنده با نظر به توافقات پیشین با عرضه‌کننده و با علم به اینکه وام‌گیرنده از وام جهت معامله با آن عرضه‌کننده استفاده می‌نماید؛ به اعطای اعتبار پردازد؛ بنابراین وجود نوعی ارتباط و توافق میان وام‌دهنده و عرضه‌کننده قبل یا بعد از اعطای اعتبار، شرط ایجاد مسئولیت در حقوق انگلیس است. این توافق بسیار موسع تفسیر می‌گردد؛ معنی همین‌که عرضه‌کننده‌ای توافق‌نامه استفاده از کارت اعتباری با برند خاص داشته باشد، شرط مزبور محقق گردیده و مسئولیت قانونی مزبور جاری خواهد گردید. لذا به نظر می‌رسد، به سبب حمایت از مصرف‌کننده، طبق نظریه عدالت توزیعی و اینکه اصولاً امکان استخراج نفع مشترک میان وام‌دهنده و عرضه‌کننده جهت تحمیل مسئولیت بر وام‌دهنده کافی است، باید از لزوم ارتباط تجاری میان وام‌دهنده و عرضه‌کننده دست شست، چنان‌که در حقوق انگلیس نیز همین رویکرد مورد تبعیت رویه قضایی قرار گرفته است. برای مثال در کارت‌های اعتباری، اعتبار موجود در کارت نه توسط صادرکنندگان کارت، بلکه توسط صاحب امتیاز کارت اعتباری خاص تأمین می‌شود و ما با یک قرارداد چهارجانبه روبه‌رو هستیم که ارتباط مؤثری بین صادرکننده کارت و عرضه‌کننده آن وجود ندارد. با این وجود، رویه قضایی همچنان صادرکنندگان کارت را مسئول می‌داند (Davenport, 1967: 230-231). البته تفسیر نفع مشترک در مواردی که ارتباط مؤثری میان عرضه‌کننده و وام‌دهنده وجود ندارد، نیاز به تدقیق بیشتری دارد. برای مثال در نظام بانکی ایران، در خرید مسکن با استفاده از وام مسکن، آیا نفع مشترکی برای وام‌دهنده و فروشنده منزل قابل شناسایی است تا اساس تحمیل مسئولیت ناشی از تخلفات عرضه‌کننده بر وام‌دهنده را فراهم سازد؛ چراکه فروشنده مسکن اساساً در زمان انتخاب مشتری خود به دارا بودن وام یا عدم آن توجهی ندارد. لذا در این موارد تحمیل مسئولیت ناشی از تخلفات فروشنده مسکن بر وام‌دهنده به نظر ناروا و فاقد مبانی لازم است. بلکه در این موارد حمایت از مصرف‌کننده با شناسایی وابستگی متقابل قرارداد وام و قرارداد خرید خانه مقرون به صواب و قابل تأمین است. بر این اساس باید میان تسهیلات سه‌جانبه رایج قابل تفکیک گردید. در تسهیلات سه‌جانبه‌ای که نوعی نفع مشترک میان وام‌دهنده و

عرضه‌کننده قابل استخراج است، وضع چنین مسئولیت قانونی کاملاً ثمربخش و به اقتضای حمایت از طرف ضعیف‌تر و مطابق نظریه عدالت توزیعی قابل پذیرش هست، اما در مواردی که به ملاحظه نحوه انعقاد قرارداد چنین نفع مشترک میان وام‌دهنده و عرضه‌کننده ارتباطی متصور نیست، امکان اعمال این مسئولیت قانونی نیز وجود نخواهد داشت.

از بین دو ابزار مؤثر حمایت از مصرف‌کننده، شامل پیشگیری و جبران، فرض مسئولیت قانونی وام‌دهنده در قبال تخلفات عرضه‌کنندگان، در حالی که موضوع اول از مصادیق ابزار جبران محسوب می‌گردد (کله آلو، ۱۳۷۷: ۲۴۵)، به نوعی نقش پیشگیرانه نیز دارد. حجم قابل توجهی از فروش عرضه‌کنندگان کالاهای اساسی و مصرفی به صورت فروش اعتباری، مصداقی از تسهیلات سه‌جانبه است، لذا وام‌دهندگان از ابزار اعمال فشار و تهدید به اینکه دیگر تسهیلاتی جهت خرید کالاهای تولیدی آن‌ها نخواهند پرداخت، برخوردار هستند. همچنین، بر اساس نظریه ذی‌نفعان در حقوق شرکت‌ها، اولاً وام‌دهندگان به عنوان تأمین‌کنندگان اعتبار مورد نیاز عرضه‌کننده (به عنوان یک بنگاه اقتصادی) و ثانیاً مصرف‌کنندگان، به سبب نقشی که در بقای سودآوری و ادامه فعالیت عرضه‌کنندگان ایفا می‌نمایند، از ذی‌نفعان مستقیم عرضه‌کنندگان محسوب گردیده و لذا هر دو از اهرم فشار جهت تضمین کیفیت کالا یا خدمات عرضه‌کننده برخوردارند (نوروزی، ۱۳۹۷: ۳۳۶-۳۳۴).

بنابراین با توجه به شناسایی مبانی کلی حمایت از مصرف‌کننده و لزوم جبران کامل خسارات وارده به وی در قانون حمایت از مصرف‌کننده مصوب ۱۳۸۸ و قوانین پراکنده دیگر^۱ شناسایی مسئولیت قانونی اعطاکندگان تسهیلات مصرفی، کاملاً امکان‌پذیر و البته ضروری است.

۲. حدود و قلمرو مسئولیت قانونی وام‌دهنده

در قانون اعتبار مصرفی ۱۹۷۴ انگلیس و اصلاحات بعدی آن^۲ این مسئولیت در دو زمینه برقرار گردیده است؛ در مرحله مذاکرات پیش از قرارداد و در زمان تخلفات قراردادی. به موجب ماده ۵۶ قانون مزبور، وام‌دهنده در خصوص تعهداتی که در مرحله مذاکرات پیش از قرارداد از سوی عرضه‌کننده صورت می‌گیرد، مسئولیت خواهد داشت؛ اما مورد مهم‌تر در ماده ۷۵ آمده است که طبق آن، «اگر وام‌گیرنده، به موجب قراردادهای اعطای اعتبار سه‌جانبه^۳ (وام‌گیرنده، وام‌دهنده، عرضه‌کننده)، حق طرح هرگونه دعوی مبنی بر تدلیس یا تخلف قراردادی علیه عرضه‌کننده را بیابد،

۱. قانون تجارت الکترونیک ۱۳۸۲، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو ۱۳۸۶

۲. آخرین اصلاحات به موجب قانون Regulations 2014 The Consumer Protection (Amendment)، اعمال گردیده است.

3. Lender- Consumer- Supplier Agreement

حق طرح همان دعوا علیه وام‌دهنده را نیز خواهد داشت و وام‌دهنده با عرضه‌کننده مشترکاً، منفرداً در قبال وام‌گیرنده، مسئولیت خواهند داشت.» این مسئولیت نه تا مبلغ اعتبار اعطایی و نه حتی ارزش کالا و خدمات ارائه‌شده بلکه به صورت کامل و تا جبران کامل خسارات ناشی از نقص و عیب کالا و خدمات وارده به مصرف‌کننده برقرار گردیده است. حتی در این مورد وفق بند ۴ این ماده ۷۵، استفاده بیش از میزان اعتبار اعطایی و یا عمل برخلاف سایر مفاد قرارداد اعتبار توسط مصرف‌کننده نیز در حق او به موجب بند ۱ ماده ۷۵ اثری ندارد. لذا وام‌دهنده نمی‌تواند به این موضوع استناد نماید؛ بنابراین وام‌دهنده نمی‌تواند به دلیل تخلفات قراردادی وام‌گیرنده یا استفاده بیش از سقف اعتباری در نظر گرفته‌شده (در کارت‌های اعتباری)، از مسئولیت موضوع این ماده شانه خالی نماید.

اما شرط اصلی مسئولیت وام‌دهنده، مرتبط بودن قرارداد وام و همچنین وجود ارتباط تجاری بین وام‌دهنده و عرضه‌کننده هست. به این معنی که ارائه اعتبار به وام‌گیرنده متعاقب توافقات تجاری وام‌دهنده و عرضه‌کننده در خصوص تأمین اعتبار معاملات عرضه‌کننده و یا با در نظر داشتن توافقاتی که قرار است در آینده بین این دو واقع شود، صورت گیرد. (Rutledge-Cavendish P.S, 2002: 131). البته گرایش رویه قضایی به تفسیر موسع دایره مسئولیت وام‌دهنده و گسترش آن به تمامی تسهیلاتی است که امکان استخراج نوعی نفع مشترک وجود دارد. چنان‌که در پرونده *Grove V Amex Europe Limited*، پس از سال‌ها بحث و جدال، رویه قضایی مسئولیت قانونی وام‌دهنده را در قبال عرضه‌کنندگان خارج از مرزهای انگلستان نیز جاری دانست که نشان از فاصله گرفتن از مبنای ارتباط مؤثر دارد (Chapman, 2008: 16).

در قبال این تکلیف و مسئولیت البته بند دوم و پنجم ماده ۷۵ دو حق^۱ به وام‌دهنده می‌دهند:

۱. کلیه خساراتی که ناشی از طرح دعوی مصرف‌کننده علیه خود وام‌دهنده متحمل شده، مانند هزینه‌های دادرسی را از عرضه‌کننده مطالبه نماید؛

۲. در دعوی مطروحه توسط مصرف‌کننده، عرضه‌کننده را نیز به‌عنوان خواننده دوم وارد دعوا نماید (نوعی جلب ثالث دادرسی).

باید توجه داشت، تسهیلات سه‌جانبه‌ای که در آن‌ها وام‌دهنده، کالا یا خدمات خاصی را به درخواست مشتری از عرضه‌کننده خریداری و به صورت اقساطی در قالب بیع مشروط، به اجاره به شرط تملیک یا مانند آن به وام‌گیرنده واگذار می‌نماید، وفق ماده ۷۵ ناظر به بند ۱ ماده ۱۲ CCA،

۱. در هر دو مورد شامل دعوی احتمالی وام‌دهنده علیه وام‌گیرنده به دلیل خسارات ناشی از توقف پرداخت اقساط به دلیل نقض احتمالی و مشکوک قرارداد نمی‌گردد (Withmore, 1975: 11).

مشمول این حمایت قانونی نیستند. از این دسته با عنوان وام مستقیم^۱ یاد می‌شود. با توجه به وجود قرارداد بین وام‌دهنده و وام‌گیرنده در خصوص کالا و خدمات در این نوع از تسهیلات، مفاد قرارداد حقوق و تکالیف طرفین را تعیین می‌نماید و لذا وضع مقرره حمایتی در قراردادهای سه‌جانبه - دو طرفه برای مسئولیت وام‌دهنده، غیرضروری است، چه وام‌دهنده خود به‌عنوان عرضه‌کننده در قبال تخلفات ناشی از نقض یا عیب کالا مسئولیت خواهد داشت (Bridge, op.cit: 428-428). اما به‌نظر می‌رسد در این نوع تسهیلات، با توجه به نقش وام‌گیرنده در انتخاب عرضه‌کننده‌ای خاص، تسهیلات سه‌جانبه مستقیم را باید به دو دسته تقسیم و در هر یک، راه‌حل متفاوتی را اتخاذ نمود.

دسته اول؛ تسهیلات سه‌جانبه‌ای است که در آن‌ها وام‌دهنده خود با انتخاب عرضه‌کننده‌ای خاص، کالا یا خدمات را تهیه و به متقاضیان در قبال قرارداد اعتبار واگذار می‌نماید. بدیهی است در این موارد وام‌دهنده به‌عنوان عرضه‌کننده کالا و خدمات در حکم عرضه‌کننده یا جانشین وی طبق قواعد حقوق قراردادهای، در قبال هرگونه نقض و عیب کالا مسئولیت خواهد داشت و به همین دلیل این قراردادهای از شمول مقرره ماده ۷۵ خارج گردیده‌اند.

دسته دوم؛ وام‌دهنده نقشی در انتخاب کالا یا خدمات خاص ندارد بلکه وام‌گیرنده کالا یا خدمات عرضه‌کننده خاصی را سفارش داده و حتی در مواردی قراردادی مستقل با عرضه‌کننده منعقد می‌نماید. در این موارد وام‌دهنده صرفاً نقش تأمین‌کننده اعتبار را داشته لذا هیچ نقشی در انتخاب کالا یا عرضه‌کننده خاص ندارد. به همین دلیل نیز در کنوانسیون اوتاوا در خصوص لیزینگ اعتباری با شناسایی ماهیت سه‌جانبه لیزینگ اعتباری، امکان مراجعه مستأجر به فروشنده واقعی به رسمیت شناخته شده ولی وام‌دهنده قانوناً از هرگونه مسئولیتی در قبال نقض و عیوب کالا مبرا گردیده است (پیرمادی، ۱۳۹۳: ۴۸).

در نظام بانکی ایران، علی‌رغم پذیرش مبانی شناسایی مسئولیت وام‌دهنده، اعمال این مسئولیت قانونی با دو مانع روبه‌روست؛ اول آنکه با توجه به شیوه تنظیم تسهیلات سه‌جانبه مطابق الگوی ارائه‌شده در قانون عملیات بانکی بدون ربا، در اغلب تسهیلات رایج، بانک قراردادی دو‌جانبه با وام‌گیرنده امضا نموده و در آن با اعطای وکالت به مشتری در انتخاب کالا و خدمات، به‌عنوان فروشنده (عرضه‌کننده) ایفای نقش می‌نماید. لذا در ظاهر با قرارداد وام مستقیم همانند حقوق انگلیس، روبه‌رو هستیم ولی اینجا شناسایی مسئولیت برای وام‌دهندگان در قبال تعهدات عرضه‌کنندگان واقعی منتفی است. این ایراد با تفسیر قراردادهای رایج بانکی و تعیین نقش واقعی وام‌دهنده، قابل حل است. در واقع در تمامی تسهیلات موضوع عملیات بانکی بدون ربا، اختصاص

1. Direct loan

نقش فروشنده یا به صورت کلی نقش عرضه‌کننده کالا و خدمات به وام‌دهنده به صورت صوری و صرفاً به منظور پرهیز از ربوی گردیدن تسهیلات بانکی است؛ لذا با گذشتن از این ظاهر صوری و تعیین نقش واقعی طرفین، مانعی جهت وضع مسئولیت قانونی از این حیث وجود ندارد.

اما ایراد مهم‌تر آنکه در تسهیلات رایج موضوع این قانون، ولو از ظاهر صوری آن گذشته و با تفسیر اراده واقعی طرفین، به تفاوت عرضه‌کننده و وام‌دهنده اذعان نماییم، معیار نفع مشترک به سختی قابل استخراج است. در تسهیلات بانکی ایران در حال حاضر وام‌دهنده به‌واقع هیچ نقشی در انتخاب کالا یا خدمات خاص ندارد و صرفاً تأمین‌کننده اعتبار بوده و این وام‌گیرنده است که کالا یا خدمات عرضه‌کننده خاص را انتخاب می‌نماید. به علاوه آنکه در اغلب موارد، اعطای تسهیلات مسبوق به روابط تجاری فی‌مابین عرضه‌کننده و وام‌دهنده نیز نیست. لذا نفع مشترک و رابطه شراکت‌گونه‌ای که در انگلیس مبنای شناسایی این مسئولیت قانونی را شکل می‌دهد، در حقوق ایران قابل استخراج نیست.^۱ لذا در تمامی مواردی که نتوان نوعی نفع مشترک میان وام‌دهنده و عرضه‌کننده استخراج نمود، نمی‌توان قائل به شناسایی مسئولیت وام‌دهندگان در قبال تخلفات عرضه‌کنندگان گردید. در نقطه مقابل آن در تمامی مواردی که امکان استخراج نفع مشترک آن‌هم با تفسیر موسع نفع مشترک وجود داشته باشد، باید در قراردادی اعتبار مصرفی قائل به بطلان شروط عدم مسئولیت و وضع مسئولیت قانونی در قبال تخلفات عرضه‌کنندگان گردید. مثال بارز در مواردی است که بانک متعاقب توافق‌نامه سابق خود با شرکت خودروساز، حسب تقاضای مصرف‌کننده و طی قراردادهای لیزینگ یا اجاره به شرط تملیک با دریافت بخشی از ثمن به صورت نقدی و بقیه در قالب اقساط (وام اعطایی) به‌عنوان مالک خودرو اقدام به واگذاری خودروی شرکتی خاص با شرایط مقرر به وام‌گیرنده می‌نماید.

در آمریکا، دو نوع رایج از قراردادهای اعطای تسهیلات سه‌جانبه کارت‌های اعتباری و بیع مشروط^۲ (فروش اعتباری) وجود دارد. در بیع مشروط، عرضه‌کنندگان، کالا یا خدمات خود را به خریدار می‌فروختند و چنین مقرر می‌شد که بهای آن‌ها به صورت اقساطی پرداخت و با پرداخت آخرین قسط مبیع به ملکیت مشتری درآید. سپس طی قرارداد دیگری حقوق راجع به مطالبه ثمن

۱. صرف نظر از این مسئله و معضل که اساساً به جز تسهیلات خرید اتومبیل، سایر تسهیلات سه‌جانبه خرید کالای بادوام لوازم منزل، تعمیرات مسکن و... به طور عملی منتهی به خرید و استفاده از کالا نشده و مشتری (وام‌گیرنده) تنها وجه وام را در قبال سند و فاکتورهای خرید صوری اخذ می‌نماید و همین طور اصولاً با این چرخه نیاز اقتصادی کاذب، عرضه‌کننده‌ای واقعی در اجتماع وجود ندارد مگر در تسهیلات خرید اتومبیل که سهم عمده‌ای از این نوع قراردادهای سه‌جانبه بانکی را تشکیل می‌دهند.

2. Conditional sale

معامله را به مؤسسه اعتباری واگذار و ثمن نقدی را از مؤسسه دریافت می‌نمودند. (Bridge, Op.cit: 412). شیوه رایج مؤسسات اعتباری نیز جهت به حداقل رساندن مسئولیت خویش، استفاده از دو طریق ذیل بوده است:

۱. بهره‌گیری از شرط انصراف^۱ و اسقاط حق اقامهٔ دعوا و دفاع که در قرارداد عرضه درج می‌گردید و متعاقباً مؤسسات اعتباری نیز از آن بهره می‌گرفتند، و اینکه وام‌دهنده مسئولیتی بیش از فروشنده نسبت به کالاها ندارد.

۲. فروشنده (عرضه‌کننده) قبل از واگذاری ثمن معامله به مؤسسه اعتباری (وام‌دهنده) با قبولی خریدار (وام‌گیرنده)، یک سند قابل انتقال حاوی دین سررسید شده، به میزان ثمن و سود مقرر از وام‌گیرنده اخذ و آن را به مؤسسه اعتباری انتقال می‌دهد. مؤسسه اعتباری با این کار حق خویش جهت مطالبهٔ ثمن و سود مقرر را فارغ از معاملهٔ خرید کالا و خدمات به‌عنوان دارنده با حسن نیت^۲ حفظ می‌نماید (Rohner, 1975: 505).

با تصویب قانون متحدالشکل اعتبار مصرفی ۱۹۶۸ صدور سند قابل انتقال دین خریدار توسط فروشندگان ممنوع و باطل اعلام گردید.^۳ قانون دوم متحدالشکل اعتبار مصرفی نیز که در سال ۱۹۷۴^۴ تصویب گردید، در ماده ۹/۲۰۶ خود مقرر نمود که شرط انصراف از دفاع، از حیث قابلیت استناد مؤسسات اعتباری به آن‌ها مانند دارنده با حسن نیت سند قابل انتقال است و شرط مزبور نیز مانند سند دین قابل انتقال باطل است و در ماده ۳/۴۰۴(۴) استفاده از هر دو شرط و سند را در قراردادهای فروش اعتباری ممنوع ساخت. همچنین بند فرعی یک در ذیل همین بند، مسئولیت وام‌دهنده را در قبال تخلفات عرضه‌کننده در قراردادهای فروش مصرفی مقرر نمود.

نکتهٔ حائز اهمیت دیگر اینکه قانون ۱۹۶۸ صرفاً ناظر بر مواردی بود که فروشنده (عرضه‌کننده) نسبت به واگذاری ثمن به وام‌دهنده به شیوهٔ پیش‌گفته اقدام می‌نمود، لکن مواردی که وام‌دهنده جهت خرید کالا و خدمات به اعطای مستقیم وام به وام‌گیرنده می‌پرداخت را شامل نمی‌شد. در بند ۳/۴۰۵ قانون ۱۹۷۴ چنین مقرر گردیده بود که وام‌دهنده‌ای نیز که در رابطه با یک معاملهٔ خاص، به مصرف‌کننده وامی می‌دهد تا او کالا یا خدماتی را از عرضه‌کنندهٔ خاصی تهیه نماید، همراه با عرضه‌کننده مسئولیت خواهد داشت. البته مسئولیت در وام‌های مستقیم، به‌صورت کاملاً محدود و در صورت وجود شرایط خاصی مانند: ۱. وجود رابطه میان وام‌دهنده و فروشنده هرچند کم‌رنگ

1. Waiver of defense
2. Holder in due course
3. S 2.403

۴. از این پس به اختصار UCCC خوانده می‌شود.

باشد؛ ۲. ارائه فرم‌های عرضه کالا و خدمات توسط وام‌دهنده و علم وام‌دهنده به وجود شکایات متعدد علیه آن عرضه‌کننده خاص (که اماره تأمین اعتبار با وجود علم وام‌دهنده به غیر معتبر و شایسته نبودن عرضه‌کننده هست)، برقرار گردیده است.

در هر دو نظام حقوقی آمریکا و انگلیس، اثر اصلی مقررۀ تحمیل مسئولیت مطلق و عینی بر وام‌دهنده، در قبال کلیۀ تخلفات عرضه‌کننده هست، به نحوی که وام‌دهنده امکان اثبات عدم دخالت خود را نداشته و در واقع مسئولیت ناشی از فعل غیر مانند مسئولیت مؤسسات بیمه هست. اما برخلاف مقررۀ انگلیس که مسئولیت نامحدود و برابر با میزان خسارت وارده را مقرر نموده است، حتی اگر بخش اندکی از ثمن معامله توسط مؤسسه اعتباری تأمین گردیده باشد، در حقوق آمریکا، UCCC مسئولیت وام‌دهنده را به میزان تسویه نشده وام محدود نموده است^۱ (Bridge, Op.cit: 421). همچنین در آمریکا، حق طرح دعوی وام‌گیرنده منوط به مراجعه قبلی وی به عرضه‌کننده و تلاش با حسن نیت در جهت حل و فصل و مطالبه خسارت خویش گردیده است. البته معیار تلاش با حسن نیت مبهم بوده و نیاز به ارائه ضابطه قانونی دارد. لکن چنین الزامی که در حقوق انگلیس وجود ندارد.

در نظام حقوقی ایران، در ترسیم دایره این مسئولیت قانونی به نظر می‌رسد تحدید آن به میزان وام اعطایی به‌علاوه سود مقرر، آن‌هم از باب حمایت قانونی از مصرف‌کننده و چه از جهت حفظ رابطه حداقلی میان مسئولیت قانونی مقرر و منافع قراردادی حاصل از معامله بر عهده وام‌دهنده، مطلوب‌تر باشد. همچنین الزام وام‌گیرنده به مراجعه قبلی به وام‌دهنده با توجه به اینکه عرضه‌کننده مهارت و تخصص لازم جهت رفع نواقص جزئی و عیب کالای فروخته‌شده و جلب رضایت وام‌گیرنده را دارد، کاملاً ضروری است.

در ایرلند، قسمت دوم بخش ۴۲ قانون اعتبار مصرفی ۱۹۹۵^۲، حق اقامه دعوا علیه وام‌دهنده در فرض تخلف از سوی عرضه‌کننده صرفاً درجایی که اعتبار منحصرأ توسط وام‌دهنده خاص از سوی عرضه‌کننده منحصر به مشتریان (وام‌گیرندگان) اعطا شود، اعمال می‌گردد (Donnelly, 2005: 223).

۳. آثار ناشی از مسئولیت قانونی وام‌دهنده

در ماده ۷۵ قانون اعتبار مصرفی ۱۹۷۴ انگلستان به مصرف‌کننده، حق طرح «دعوی مشابه»^۳ علیه وام‌دهنده اعطا گردیده است. عبارتی که بسیار مناقشه‌انگیز بوده و معنای دقیق آن مشخص نیست. آیا کلیۀ ضمانت‌اجراهای قابل اجرا در فرض نقض قرارداد یا تدلیس از سوی عرضه‌کننده علیه وام‌دهنده نیز قابل اعمال است؟ آیا سرنوشت قرارداد اعطای اعتبار نیز تابع قرارداد عرضه کالا و

1. S. 3.403(2)

2. Consumer Credit Act 1995

3. Like Claim

خدمات است؟ آیا این ماده در واقع وابستگی دو قرارداد و تأثیر کامل یکی بر دیگری چنانکه در قانون مصرف فرانسه مورد شناسایی قرار گرفته را به رسمیت شناخته است؟ (قدک، ۱۳۷۹: ۱۸۱-۵۵) تکلیف قرارداد عرضه مشخص است. به این معنی که مصرف‌کننده حق دارد ابطال معامله را علیه عرضه‌کننده در آن معامله خاص خواستار شود. همچنین مصرف‌کننده حق دارد هم‌زمان با طرح دعوا علیه وام‌دهنده، بازپرداخت اقساط وام را متوقف نماید و این به معنی ارجاع وام‌دهنده به عرضه‌کننده جهت مطالبه اقساط مزبور هست؛ اما آیا ماده ۷۵ حق ابطال قرارداد وام را همانند قرارداد عرضه به وام‌گیرنده می‌دهد؟

۱-۳. رویه قضایی انگلیس در تفسیر ماده ۷۵

رویه قضایی در این خصوص یکسان عمل نکرده است. برای مثال در پرونده United Dominions trust v Taylor، وام‌گیرنده اول قرارداد فروش خودرو را ابطال نمود و متعاقباً با طرح دعوا علیه بانک تأمین‌کننده اعتبار معامله، مدعی حق ابطال قرارداد تأمین اعتبار به استناد حق طرح دعوی مشابه گردید. دادگاه نیز با استدلال زیر به ابطال قرارداد وام مطابق خواسته وام‌گیرنده رأی داد: قائل شدن به معنای حداقلی «دعوی مشابه» مبنی بر عدم وجود حق ابطال قرارداد اعتبار و در عین حال ایجاد حق اعاده وضع به سابق - که کاملاً بر امکان ابطال معامله مبتنی است - پسندیده نیست. ماده ۷۵ وجود همان دلایل طرح دعوا (نقض یا تدلیس) علیه عرضه‌کننده را جهت طرح دعوا علیه وام‌دهنده ضروری ندانسته است، بلکه صرفاً به حق طرح دعوی مشابه به صورت مطلق علیه وام‌دهنده انصراف دارد. عبارت دعوی مشابه به اندازه کافی وسیع است که طرح دعوی ابطال را در برگیرد، اگرچه وام‌دهنده هیچ سببی را جهت ابطال قرارداد وام ایجاد ننموده باشد (Collins.D.M, 2017: 3).

در واقع نظر قاضی این بود که تمام ضمانت‌اجراهای قابل اعمال علیه عرضه‌کننده، علیه وام‌دهنده نیز قابل طرح است و ماده ۷۵، وام‌گیرنده را مجدد از اثبات سبب طرح دعوی ابطال قرارداد اعتبار، بی‌نیاز می‌نماید. اگرچه این موضع در پرونده Forward Trust Ltd v Hornsby نیز تأیید گردید، لکن در خصوص منطقی بودن چنین تصمیمی تردید جدی وجود داشت؛ زیرا معنای متبادر به ذهن این است که عبارت مذکور حکایت از ایجاد وضع مصرف‌کننده به وضع سابق و ابطال معامله اعتبار (از ابتدا) نمی‌نماید بلکه صرفاً حمایتی مالی است که امکان مطالبه خسارت ناشی از نقض یا تدلیس از وام‌دهنده را فراهم می‌نماید. قصد کمیته کراسر نیز چنانکه از گزارش این کمیته و پیشنهاد وضع مسئولیت برای وام‌دهندگان برمی‌آید، صرفاً پاسخگو بودن وام‌دهنده در مقابل خسارات وارده به

۱. Rescind به معنی ابطال معامله توسط یکی از طرفین است که قرارداد را از ابتدا باطل و وضعیت معامله به پیش از انعقاد آن برمی‌گردد.

مصرف‌کننده ناشی از نقض هریک از مفاد قرارداد عرضه از قبیل مالکیت، تطابق یا کیفیت کالاها بوده است.^۱

در مقابل برخی از حقوق‌دانان معتقدند، ماده ۷۵ به دنبال تحصیل همان اهدافی در قراردادهای فروش اعتباری وام مرتبط است که نوعاً در قراردادهای اجاره به شرط تملیک به موجب قوانین^۲ مقرر گردیده است. در اجاره به شرط تملیک، وام‌دهنده کالاها را از یک عرضه‌کننده خریداری نموده و آن‌ها را به وام‌گیرندگان اجاره می‌دهد تا بهای کالا به صورت کامل توسط وی پرداخت گردیده و سپس وی مالک آن شود؛ حال اگر کالاها با قرارداد منطبق نباشند، وام‌گیرنده حق خودداری از بازپرداخت اقساط متعاقب فسخ قرارداد اعتبار و نیز مطالبه پرداخت‌های صورت گرفته قبلی را خواهد داشت. این عده معتقدند هدف مقرر ماده ۷۵ کنار زدن تمام قوانین راجع به فروش کالا و یا نقض قرارداد نبوده، پس این مقرر باید با لحاظ همان مقررات تفسیر شود. در واقع هدف قانون و خط‌مشی آن در قراردادهای مرتبط در صورتی به بهترین نحو تأمین می‌گردد که خریدار وام‌گیرنده همان طور که حق فسخ یا ابطال قرارداد فروش را می‌یابد، بتواند قرارداد وام را نیز ابطال نماید. البته حق وام‌دهنده در وصول وجوه پرداختی نیز وفق مفاد قرارداد او با عرضه‌کننده و یا اصل اعاده وضع به سابق قابل مطالبه خواهد بود. در مقابل مخالفین می‌گویند ابطال معامله بیشتر یک حق است تا دعوا و از عبارت ماده ۷۵ «دعوی مشابه» نمی‌توان افاده ابطال معامله را نمود (MacQueen, 2011: 114).

اما رأی صادره توسط دیوان عالی اسکاتلند در پرونده Durkin V DSG Retail Limited، به اختلافات حقوقی در خصوص مقرر ماده ۷۵ پایان داده است به این نحو که برخی سعی در تفسیر آن با استفاده از اصول حقوقی و قوانین موجود نموده‌اند و برخی نیز توجه به مرجع صدور و هدف از وضع آن نموده‌اند، پایان داده است.

به این ترتیب در این پرونده، آقای دورکین در سال ۱۹۹۸، قرارداد سه‌جانبه‌ای منطبق با موضوع بند ب ماده ۱۲، جهت خرید لب تاپ منعقد نمود. دورکین ۵۰ پوند از بهای کامپیوتر را نقداً پرداخت و ۱۴۴۹ پوند باقی‌مانده توسط HFC طی قرارداد اعطای اعتبار منعقد تأمین می‌گردید. با توجه به عدم اجازه باز کردن بسته‌بندی لب تاپ توسط فروشنده، چنین توافق شد که اگر کامپیوتر فاقد مودم داخلی باشد، وی بتواند آن را به شرکت باز پس دهد. یک روز بعد از خرید و با متوجه شدن اینکه لب تاپ فاقد مودم است، او اقدام به پس دادن لب تاپ و طرح دعوی ابطال معامله خرید و معامله اعتبار نمود. مدیر فروشگاه از پذیرفتن لب تاپ و همکاری جهت ابطال قرارداد اعتبار خودداری نمود.

1. The Report of Commission on Consumer Redress for Misleading and Aggressive Practices

2. The Hire Purchase Act 1965

دورکین از بازپرداخت اقساط سررسید شده نیز خودداری نمود. متعاقب معوق شدن دیون، مؤسسه اعتباری نیز اقدام به ثبت نام دورکین در ردیف مشتریان متخلف نمود که اثر آن عدم امکان اخذ وام با بهره پایین توسط دورکین بود. آقای دورکین با اطلاع از این موضوع اقدام به طرح دعوا علیه هر دو شرکت کامپیوتری و مؤسسه مالی در دادگاه شهربانی نمود. دادگاه در سال ۲۰۰۸ چنین رأی داد که قرارداد فروش به درستی ابطال گردیده است و با توجه به حق آقای دورکین وفق بند ۱ ماده ۷۵ او محق به ابطال قرارداد اعطای اعتبار نیز بوده است، ضمناً به سه مبلغ بابت خسارات وارده به دورکین از حیث خدشه به اعتبار مالی وی، سود پرداختی به مؤسسه اعتباری و نیز بابت از دست دادن فرصت خرید کالا در خارج به عنوان نتیجه خدشه به پرونده اعتبار مالی وی رأی داد. مؤسسه اعتباری (وام‌دهنده) از رأی صادره در قسمت تفسیر ماده ۷۵ تجدیدنظرخواهی نمود.^۱ دادگاه تجدیدنظر با نقض رأی صادره چنین رأی داد که ماده ۷۵ اجازه فسخ قرارداد اعتبار را نمی‌دهد. استدلال لرد مک‌کی^۲ این بود که مقررۀ بند ۱ ماده ۷۵، هدفش این است که وام‌گیرنده حق دارد در همان دعوایی که علیه عرضه‌کننده به دلیل تخلفات وی قابل طرح است، راساً یا مشترکاً وام‌دهنده را نیز طرف دعوا قرار دهد، نه حق طرح دعوای جداگانه و مجزایی علیه وام‌دهنده داشته باشد. اگر قصد پارلمان از مقررۀ ماده ۷۵ این بود که نقض قرارداد فروش به خودی خود به مصرف‌کننده حق ابطال قرارداد اعتبار را نیز اعطا نماید، به عبارتی اینکه ابطال قرارداد اعتبار به عنوان نتیجه قهری قرارداد فروش پذیرفته شود، باید از بیان دیگری استفاده می‌نمود لذا عبارات فعلی ماده ۷۵ هیچ دلالتی بر این حق ندارد. لذا رویه قضایی در انگلیس اثر ماده ۷۵ را محدود به امکان مطالبه خسارات قراردادی ناشی از تخلفات عرضه‌کنندگان از وام‌دهندگان می‌داند.

۲-۳. وابستگی قرارداد اعتبار به قرارداد عرضه

دیوان عالی اسکاتلند با نقض رأی پیش‌گفته، ضمن موافقت با تحلیل قاضی مک‌کی در عدم امکان ابطال قرارداد اعتبار به استناد ماده ۷۵، با شناسایی وابستگی قرارداد اعتبار به عرضه، امکان ابطال قرارداد را با استفاده از شرط ضمنی موجود در قرارداد اعتبار پذیرفت، استدلال لرد هاگ چنین بود:

در قرارداد اعتبار سه‌جانبه (وام‌گیرنده / وام‌دهنده / عرضه‌کننده) به موجب بند ب ماده ۱۲ قانون ۱۹۷۴ که با قرارداد عرضه گره‌خورده است، در صورت نقض قرارداد از سوی عرضه‌کننده و پایان دادن قرارداد عرضه از سوی بدهکار، (وام‌گیرنده) ذات قرارداد اعتبار چنین ایجاب می‌نماید که وام‌گیرنده وجوه استقرانی از وام‌دهنده را از عرضه‌کننده مطالبه و به وام‌دهنده مسترد نماید. قائل شدن به چنین

۱. شرکت کامپیوتری به رأی صادره اعتراض ننمود.

2. Lord Mackay

نتیجه‌ای به منزله پذیرش وابستگی قرارداد اعتبار، به قرارداد عرضه است. به نظر من به منظور انعکاس این واقعیت، باید قائل بود به وجود شرطی ضمنی، حاکی از اینکه بقا و دوام قرارداد اعتبار مبتنی بر بقای قرارداد عرضه است، بود. لذا وام‌گیرنده با رد نمودن کالاهای خریداری شده و ابطال قرارداد عرضه به دلیل نقض قرارداد، قرارداد اعتبار را نیز با استناد به همین شرط ضمنی ابطال می‌نماید.^۱

اکنون با استفاده از این استدلال می‌توان به جبران خسارتی به مراتب فراتر از آنچه توسط کمیته کراسر مورد بررسی و حمایت قرار گرفته است، دست‌یافت؛ بنابراین در تمامی قراردادهای مشمول مقررۀ ب ماده ۱۲، در صورت ابطال قرارداد عرضه می‌توان حکم به ابطال قرارداد اعطای اعتبار، به استناد نقض شرط ضمنی وابستگی قرارداد اعتبار به عرضه داد. نتیجه یکسان اما مکانیسم اعمال استدلال اخیر بسیار ساده است (Ruff, 2005: 62).

نکته دیگر، معطوف دانستن استخراج شرط ضمنی به قراردادهای مشمول بند ب ماده ۱۲ CCA است. در این تسهیلات، اعتبار دارای استفاده معین بوده و وام‌دهنده بر اساس توافقات موجود یا توافقاتی که در نظر دارد در آینده با عرضه‌کننده خاصی بنماید، به اعطای اعتبار می‌پردازد. در واقع تنها در تسهیلات سه‌جانبه‌ای که وابستگی قراردادی میان قرارداد اعتبار و قرارداد عرضه وجود دارد، می‌توان به این نتیجه دست‌یافت. لرد هاگ استخراج شرط ضمنی را در قراردادهای سه‌جانبه موضوع بند ج ماده ۱۲ اجازه نمی‌دهد؛ چراکه تسهیلات موضوع بند ج ماده ۱۲ قراردادهای اعتبار بدون محدودیت در استفاده هستند که در آن‌ها عرضه‌کننده، وام‌گیرنده را به یک مؤسسه اعتباری خاص معرفی می‌نماید تا قرارداد عرضه را از این رهگذر تأمین مالی نماید. استدلال وی این است که در این تسهیلات، وام‌گیرنده که اعتبار اعطایی را شخصاً دریافت می‌نماید، در واقع محدود به استفاده از اعتبار در قرارداد عرضه مزبور نیست و می‌تواند اعتبار دریافتی به منظور تأمین آن معامله خاص را صرف معامله دیگری نیز بنماید (Ibid).

با توجه به تصریح ماده ۷۵ در عدم مسئولیت وام‌دهنده در قبال تخلفات عرضه‌کننده، آیا استخراج شرط ضمنی وابستگی بقاء قرارداد اعتبار به قرارداد عرضه در قراردادهای وام مستقیم موضوع بند الف ماده ۱۲ نیز ممکن می‌باشد؟ بدیهی است منظور مواردی است که وام‌دهنده کالای عرضه‌کننده دیگری را تهیه و به ضمن اعطای وام واگذار می‌نماید. در این موارد وام‌دهنده است که طرف مشترک هر دو قرارداد عرضه و اعتبار را تشکیل می‌دهد. اگرچه در نگاه اول، وام‌دهنده خود نقش عرضه‌کننده مستقیم کالا و خدمات را بر عهده دارد، اما باید توجه داشت که عرضه‌کننده واقعی شخص ثالث است و وام‌دهنده صرفاً به منظور کسب منفعت در اغلب موارد با سفارش قبلی وام‌گیرنده، به تهیه کالا

1. Durkin (Appellant) v DSG Retail Limited and another Respondents

و خدمات و سپس واگذاری آن‌ها به صورت اعتباری به مصرف‌کننده می‌پردازد. از سوی دیگر هرگونه تخلف یا خلل در قرارداد عرضه واقعی بر سرنوشت تسهیلات مستقیم نیز تأثیر می‌گذارد. لذا به نظر ما باید در این نوع تسهیلات نیز وابستگی متقابل قرارداد عرضه و اعتبار و نظریه شرط ضمنی وابستگی بقاء قرارداد عرضه و اعتبار به یکدیگر مورد شناسایی قرار گیرد. این نتیجه در حقوق ایران از اهمیت بسزایی برخوردار است، زیرا اغلب تسهیلات اعطایی را وام‌های مستقیم تشکیل می‌دهند؛ در این تسهیلات معمولاً انتخاب کالا و خدمات از سوی وام‌گیرنده صورت گرفته و خود وام‌گیرنده با عرضه‌کننده دارای قرارداد مستقلی (مانند قرارداد فروش خانه) می‌باشند؛ لذا در بسیاری از موارد ممکن است قرارداد عرضه به دلایلی فسخ یا باطل گردد که در این شرایط بقاء قرارداد اعتبار تنها به ضرر وام‌گیرنده است.

در نظام اعطای تسهیلات ایران نیز شناسایی وابستگی تسهیلات مستقیم به قرارداد عرضه بین وام‌گیرنده و عرضه‌کننده ضروری است. اگرچه وام‌دهنده در بسیاری از موارد با توجه به اعطای وکالت جهت خرید ملک، اصلاً از هویت عرضه‌کننده آگاه نیست، اما در این شرایط نیز از قصد و نیت وام‌گیرنده آگاه است و لذا سرایت فسخ قرارداد عرضه به قرارداد اعتبار در واقع پیروی از قصد واقعی طرفین قرارداد است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۸).

اما شناسایی مسئولیت قانونی وام‌دهنده در قبال تخلفات عرضه‌کننده در تسهیلات سه‌جانبه مصرفی و همچنین شناسایی وابستگی قرارداد اعتبار به قرارداد عرضه، با توجه به اصالت اجرای عین تعهد به تبع اصل لزوم قراردادها در حقوق ایران، نتایج متفاوت نسبت به حقوق انگلیس در بر دارد. در حقوق انگلیس و در بسیاری از اسناد بین‌المللی، با تغییر گرایش از اقتضائات اصل لزوم قراردادها به احترام به آزادی اراده افراد، نتیجه اصلی تخلف از تعهدات قراردادی، ایجاد حق فسخ قرارداد و مطالبه خسارت است (خورسندیان و محمدی‌بصیر، ۱۳۹۶: ۷۴-۷۲). لکن در ایران با توجه به حاکمیت اصل لزوم قرارداد، وفق ماده ۲۱۹ قانون مدنی نتیجه تخلف عرضه‌کننده، ابتدا الزام به اجرای عین تعهد، موضوعی که صرفاً در توان و اراده اوست، خواهد بود. لذا اولاً شناسایی مسئولیت قانونی اضافی در قبال تخلفات عرضه‌کننده، صرفاً معطوف به جبران خسارات مصرف‌کننده است، ثانیاً مصرف‌کننده در صورت اثبات تخلف و نقض قرارداد از سوی عرضه‌کننده، ابتدا باید اجرای عین تعهدات عرضه‌کننده را مطالبه نماید و صرفاً در صورت عدم اجرای تعهد توسط عرضه‌کننده و با لحاظ عدم امکان اجرا توسط مصرف‌کننده به هزینه عرضه‌کننده، حق فسخ قرارداد عرضه یا تسهیلات سه‌جانبه سه‌طرفه را خواهد داشت و در ادامه تسری این فسخ به قرارداد اعتباری در قانون مسکوت مانده و محل تأمل دارد.

آمریکا طبق UCCC و به موجب بند ۱ ماده ۴۰۳/۳، صادرکنندگان کارت‌های اعتباری (وام‌دهندگان) به صورت گسترده‌تر و در وام‌های مصرفی سه‌جانبه مستقیم، تحت شرایطی تابع تمامی دعاوی و دفاعیاتی خواهند بود که مصرف‌کننده علیه فروشنده یا اجاره‌دهنده امکان استناد به آن‌ها را دارد؛ به این معنی که مصرف‌کننده حق دارد اولاً از بازپرداخت اقساط باقی‌مانده وام اعطایی خودداری نماید و ثانیاً در صورت طرح دعوی وام‌دهنده، به دفاع نقض قرارداد توسط عرضه‌کننده استناد نماید. اگرچه محدود بودن حق مصرف‌کننده به میزان وصول نشده اعتبار اعطایی، خود نشان‌دهنده عدم ابطال قرارداد اعتباری یا همان قرارداد وام است.

نتیجه‌گیری

بی‌شک هدف اولیه نظام حقوقی از شناسایی مسئولیت قانونی وام‌دهنده در تسهیلات سه‌جانبه، صرفاً تسهیل جبران خسارت مصرف‌کنندگان با امکان وصول مبالغ پرداختی، فارغ از مبانی قراردادی موجود است. مبنای اولیه توجیه این مسئولیت قانونی، وجود ارتباط مؤثر میان عرضه‌کننده وام‌دهنده و مشارکت این دو در تحصیل نفع بوده است لکن با گسترش گرایش به حمایت از مصرف‌کننده، هر دو نظام حقوقی آمریکا و انگلستان از این مبنا فاصله گرفته‌اند. تجلی این واقعیت را می‌توان در شناسایی مسئولیت صادرکنندگان کارت‌های اعتباری علی‌رغم تحول ایجادشده در سیستم این ابزار اعتباری دانست.

اما ابهام موجود در عبارت دعوی مشابه در ماده ۷۵ و کنکاش رویه قضایی در حقوق انگلیس جهت تعیین حدود این مسئولیت قانونی، به دستاورد قابل توجه شناسایی مبانی قراردادی مسئولیت وام‌دهنده در تسهیلات سه‌جانبه انجامید. موضوعی که شاید با توجه به تمرکز بر نیل به هدف حمایت از مصرف‌کننده، مورد غفلت قانون‌گذار قرار گرفته بود. البته نباید نقش دکترین حقوقی را در اصرار بر اینکه نمی‌توان ماده ۷۵ را در فضایی انتزاعی و به دور از مسلمات حقوق قراردادها تفسیر نمود و اینکه نیل به هدف ماده ۷۵ در وصول وجوه پرداختی از وام‌دهنده با بقاء قرارداد اعتبار منافی داشته، نادیده انگاشت. استدلال لرد هاگ با تکیه بر نظریه شرط ضمنی به‌عنوان یکی از عموومات سنتی حاکم بر حقوق کامن‌لا، اجازه ابطال قرارداد اعتبار را در فرض ابطال قرارداد عرضه می‌دهد. همچنین با ابطال قرارداد اعتبار، وام‌گیرنده به نتیجه توقف پرداخت اقساط وام نیز نائل می‌گردد؛ اما نباید پنداشت، مقرر ماده ۷۵ با توجه به وجود مبانی قراردادی در کامن‌لا جهت شناسایی مسئولیت وام‌دهنده، امری زائد بوده و به‌نوعی تحصیل حاصل است؛ زیرا ماده ۷۵ با شناسایی نوعی مسئولیت عینی برای وام‌دهنده، به دنبال جبران کامل خسارات مصرف‌کننده ناشی از تخلفات قراردادی عرضه‌کننده است، خساراتی که در بسیاری از موارد فراتر از میزان اعتبار اعطایی توسط وام‌دهنده

است؛ به‌علاوه این ماده اجازه توقف پرداخت اقساط وام را به وام‌گیرنده می‌دهد، درحالی‌که به نظر می‌رسد وفق مبانی قراردادی تا زمانی که دادگاه حکم به ابطال قرارداد اعتبار صادر ننموده باشد، وام‌گیرنده امکان توقف پرداخت را ندارد.

در حقوق ایران، با توجه به پذیرش مبانی وضع مسئولیت قانونی وام‌دهنده در قبال مصرف‌کننده، مانع اصلی در تصریح به این مسئولیت عینی، اعطای نقش عرضه‌کننده به‌صورت صوری به وام‌دهندگان و عدم مطابقت آن با قصد واقعی طرفین می‌باشد. لذا تصحیح نحوه تنظیم قراردادهای اعتبار به‌نحوی که مبین قصد واقعی طرفین و وابستگی قرارداد عرضه و اعتبار باشد و تصریح قانونی به وابستگی متقابل قراردادی میان قرارداد عرضه و قرارداد اعتبار راهکار مؤثری خواهد بود. بدیهی است در این صورت پیش‌بینی مسئولیت عینی به معنی مسئولیت مطلق وام‌دهنده بدون امکان اثبات عدم تقصیر هست.

نکته پایانی هم عدم پیش‌بینی مسئولیت قانونی برای عرضه‌کنندگان حقیقی در تسهیلات مستقیم است؛ در این نوع از تسهیلات سه‌جانبه دوطرفه، وام‌دهنده به تهیه کالا و خدمات از عرضه‌کننده خاص و سپس واگذاری آن‌ها به وام‌گیرنده می‌پردازد، با توجه به عدم رابطه قراردادی وام‌گیرنده و عرضه‌کننده، حداقل در مواردی که وام‌گیرنده نقش مؤثری در سفارش تهیه کالا از عرضه‌کننده خاص دارد، یا به نوعی جای عرضه‌کننده تلقی می‌شود تصریح قانونی به مسئولیت عرضه‌کنندگان در قبال عیوب و نواقص کالا و خدماتشان ضروری است. موضوعی که در ماده یک قانون حمایت از مصرف‌کنندگان با تصریح به مسئولیت عرضه‌کنندگان غیر مستقیم مورد اشاره اجمالی قرار گرفته ولی نیازمند مقررۀ جامع‌تری می‌باشد.

منابع

فارسی

- اسفندی سرافراز، جابر. (۱۳۹۰). مسئولیت ناشی از تولید: بررسی تطبیقی در حقوق ایالات متحده، انگلستان و ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته تجارت بین‌الملل. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بادینی، حسن. (۱۳۹۱). «نقدی بر مبنا و قلمرو مسئولیت مدنی عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸». مجله تحقیقات حقوقی. شماره ۵۸. صص ۵۵۴-۵۱۱.
- پیرمرادی، علی. (۱۳۹۳). «بررسی جنبه‌های حقوقی لیزینگ اعتباری بین‌المللی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته تجارت بین‌الملل. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- خورسندیان، محمدعلی و محمدی بصیر، فرهاد. (۱۳۹۶). «الزام به اجرای عین تعهدات قراردادی در حقوق ایران در مقایسه با اسناد نوین حقوق خصوصی». فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی. شماره ۷۹ و ۸۰. صص ۶۷-۹۶.
- سلطانی، محمد. (۱۳۹۳). حقوق بانکی. چاپ دوم. تهران: میزان.
- قاسمی حامد، عباس. (۱۳۸۸). «متخصص، متعهد ارائه اطلاعات به مصرف‌کننده در حقوق فرانسه». مجله تحقیقات حقوقی. شماره ۴۹. صص ۲۰۹-۱۸۷.
- قدک، عبدالرسول. (۱۳۷۹). «وابستگی قراردادها در زمینه اعتبارات مصرفی در حقوق فرانسه». مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی. شماره ۲۲. صص ۱۸۱-۱۵۵.
- قدک، عبدالرسول. (۱۳۸۰). «وابستگی قراردادها در زمینه اعتبارات مصرفی در حقوق فرانسه» (۲). مجله تحقیقات حقوقی. شماره ۳۴-۳۳. صص ۱۴۸-۱۰۷.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶). حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات. چاپ چهارم. تهران: میزان.
- کله‌الوا، ژان. (۱۳۷۷). «معرفی حقوق مصرف با مقدمه‌ای از مترجم». ترجمه عباس قاسمی حامد. مجله حقوقی. شماره ۲۳. تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل.
- نوروزی محمد. (۱۳۹۷). «تأملی بر رابطه شرکت‌های تجاری و ذی‌نفعان آن‌ها». مجله تحقیقات حقوقی. شماره ۸۲. صص ۳۶۳-۳۳۳.

لاتین

- Bridge, M.G. (1977). "Aspect of law relating to credit cards in the United Kingdom and the United States", Northern Ireland legal quarterly, v.28. n4.
- Chapman, M. (2004, 2005, 2007, 2008). "Section 75 of the consumer credit Act of 1974: "Connected lender liability and forein transactions". International travel law journal, NN: (2004,18), (2005, 67), (2007, 69), (2008, 16).
- Collins.D.M, "Connected lender liability: clarification from the supreme court": <https://espace.mmu.ac.uk/611788/2/Connected%20Lender%20Liability-20clarification%20from%20the%20Supreme%20Court.pdf> (last seen: November 2017.)
- Donnelly. M & White.F, (2005), "The distance selling directives - A time for review", Northern Ireland legal quarterly, Vol56, No 2.
- Durkin (appellant) V. DSG Retail Limited and another (respondents) (Scotland), Suprem Court of Scotland:

<https://www.supremecourt.uk/cases/docs/uksc-2012-0135-judgment.pdf> (last visited on 1/1/2018).

- Gibbs, Ch R. Andrew E. Jillson & Mohny, M. R, (1985), "Creditor and consumer rights", Southwestern Law journal. Vol 39.
- Grove V. Amex Europe Limited, [2004] EWHC2600 (Comm), Case No 2003 Folio No687, Mi, [Http://www.Bailii.org/ew/cases/EWHC/Comm/2004/2600.html](http://www.Bailii.org/ew/cases/EWHC/Comm/2004/2600.html) (last Seen: 12/25/2017).
- Harvey, B. w. & Debora l. parry, (1987) The law of consumer protection and fair trading, 3rd edn, London: butter worth.
- Hood. p, (2012), Principle of Lender Liability, Uk: Oxford university press.
- MacQueen, H, (2011), "Faulty goods, rejection and connected lender liability", The Edinburg Law Review, vol 15.
- Rohner.R, (1975), "Holder in due course in consumer transactions: requiem, revival, or reformation?"Cornell Law Review, Vol 60, N4.
- Routledge-Cavendish Publishing Staff, Business law, 2edn, London: Cavendish.
- Ruff. A, (2005), Contract Law, 4th ed, London: Sweet & Maxwell, 2005.
- The Law Commission, (2012), "The report of commission on consumer redress for misleading and aggressive practices", N 332: https://www.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/236079/8323.pdf.
- The report of Commission on Consumer redress for misleading and aggressive practices, 97: <https://www.lawcom.gov.uk/project/consumer-redress-for-misleading-and-aggressive-practices/> (last seen: 1/1/2018).
- Vandone. D. (2012). Consumer credit in Europe, Berlin: Physica-verlag (Springer).
- Whitmore. J: (1975); "Consumer Credit Act 1974". The Law Teacher. Vol 9. No.1: www.heinonline.org (last seen: September 2017).